

82- لاتیفوندیست (latifundiste)

یعنی کسی که صاحب اراضی وسیع کشاورزی باشد. لاتیفوند به معنای سرزمین وسیع متعلق به یک فرد، واژه لاتینی است. لاتیفوند نخستین بار در دوران برده داری پدید شد. لاتیفوندهای برده داری نخستین بار در رم باستان ظاهر شدند که نتیجه قبضه کردن زمین های متعلق به دهقانان و زمین های متعلق به دولت توسط مشتی از رهبران و زمامداران صاحب برده بود. در این اراضی بسیار وسیع لاتیفوندیست ها کار ارزان و تقریباً مفت بردگان را استثمار می کردند و به تدریج تولید کنندگان کوچک باقیمانده را هم از صحنه خارج می کردند و زمین هایشان را غصب می کردند. پس از یک مرحله افول، هم زمان با تلاشی نظام برده داری بار دیگر لاتیفوندها به شکل دیگر در دوران فئودالیسم ظاهر شدند و هم اکنون حتی در برخی از کشورهای سرمایه داری نیز وجود دارند.

لاتیفوندها و لاتیفوندیست ها در برخی ایالات جنوبی ایالات متحده امریکا در ایتالیا و بویژه در کشورهای مختلف امریکای لاتین وجود دارند. لاتیفوندیست ها در حالی که بقایای جدی نظام فئودالی را در تولید کشاورزی حفظ می کنند از سیستم سهم کار شبیه به مزارع و اجاره داری قطعه زمین کوچک به دهقانان نیز استفاده می کنند و کار پیدی و نحوه رعیتی کار و مناسبات را ادامه می دهند، ضمناً از کار ماشینی و پرولترهاى کشاورزی مثلاً در فصل چیدن میوه و قطع نیشکر و نظایر آن نیز استفاده می کنند و بدین ترتیب عواملی از استثمار سرمایه داری را از خدمت خود می گیرند. بنابر این وجه مشخصه اساسی لاتیفوندیست ها ماهیت نیمه فئودالی آن ها، حفظ و تکنیک عقب مانده، تکیه بر کار پیدی و نحوه استثمار شبه اربابی است، اگر چه اینجا و آنجا به مناسبت فصل و نوع کشت از کارگر کشاورزی نیز استفاده می کنند. لازم به تذکر است که برخی شرکت های بزرگ امپریالیستی ایالات متحده که ممالک اراضی بسیار وسیع در کشورهای مختلف امریکای لاتین هستند این قسمت از فعالیت خود را بر شالوده لاتیفوندی مستقر کرده اند. علی الاصول لاتیفوندیست ها از ارتجاعی ترین اقشار استثمارگران هستند.

83- لومپن پرولتاریا (lumpemproletariat)

این اصطلاح که در مباحث اجتماعی و سیاسی اغلب دیده می شود از نظر لغوی یعنی پرولتاریای ژنده پوش ولی مفهوم دقیق علمی آن یعنی آن قشرهای وازده و طبقه خود را از دست داده که در جوامع سرمایه داری اغلب در شهرهای بزرگ زندگی می کند، دچار تباهی و فاقد وابستگی طبقاتی شده اند، از جریان عادی بدور هستند، بدون شغل و حرفه ای خاص، بدون کار مفید برای جامعه و چه بسا در شرایط سخت و بد به سر می برند و احتمالاً به هر کاری هر چند ناشایست و ضد انسانی تن در می دهند. دزدان، چاقوکشان حرفه ای، اوباش، ولگردان، روسبیان و جنایتکاران باجگیر و نظایر این ها از این جمله اند.

اگر چه بسیاری از عناصر قشر لومپن پرولتاریا سابقاً کارگر یا خرده بورژوا بوده اند و بر اثر شرایط رژیم سرمایه داری دچار بدبختی و سرگردانی و تباهی شده اند، با این حال در این وضع مشخص خود وابستگی های طبقاتی خویش را به ویژه نسبت به پرولتاریا از دست می دهند. آنجا فاقد علائق ایدئولوژیک مشترک و همبستگی طبقاتی زحمتکشان هستند. از این گونه عناصر ارتجاع سرمایه داری اغلب برای مقاصد ضد ملی و ضد دموکراتیک خود استفاده می کنند، آن ها را برای کثیف ترین امور اجیر می کنند و در کودتاها و توطئه ها از آن ها استفاده می کنند. از جمله در کودتای 28 مرداد با پول سازمان جاسوسی امریکا از عده ای از چاقوکشان و ارادل و فواحش استفاده شد.

بورژوازی از بین آن ها گروه ضربتی فاشیستی را به مزدوری می گیرد. به هنگام اعتصابات کارگری از آن ها به مثابه اعتصاب شکن استفاده می شود. قاتلین سیاسی و آدم کشانی که به خاطر پول حاضرند هر رجل سیاسی و اجتماعی مترقی را سر به نیست کنند از

میان ای‌ها برگزیده می‌شوند و گانگستریسم سیاسی از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند. خلاصه لومپن پرولتاریا با وجود این که اغلب از نظر وضع زندگی در دشواری زیادی به سر می‌برد به علت از دست داده خصوصیات طبقاتی خود حاضر است به هر کاری تن در دهد و این امر مورد استفاده سرمایه‌داری و ارتجاع قرار می‌گیرد.

دوران سرمایه‌داری با بیکاری مزمن خود، با ورشکست کردن دائمی اقشار مختلف خرده‌بورژوازی و گرایش دائمی به تشدید فقر و آوارگی زحمتکشان، سرچشمه ایجاد لومپن است. البته نباید تصور کرد هر فرد بیکار و درمانده لومپن پرولتاریاست، هر قدر که مدت بیکاری وی طولانی باشد. لومپن پرولتاریا به آن افرادی اطلاق می‌شود که طبقه خود را از دست داده‌اند، به فساد کشیده شده‌اند و فاقد هر گونه رابطه و همبستگی طبقاتی هستند. این قشر در نتیجه انقلاب سوسیالیستی و نابودی نظام سرمایه‌داری از بین می‌رود.

84- لیبرالیسم (liberalisme)

از نظر مفهوم می‌توان آن را آزاد منشی معنا کرد که از واژه «لیبر» به معنای آزاد مشتق شده است. از نظر سیاسی دارای دو مفهوم جداگانه است: در یک مفهوم سیاسی لیبرالیسم به یک جریان سیاسی بورژوازی اطلاق می‌شد که در عصر مترقی بودن آن، در زمانی که سرمایه‌داری صنعتی علیه آریستکراسی فئودالی مبارزه می‌کرد و در صدد گرفتن قدرت بود، بوجود آمد و رشد کرد. لیبرال‌ها یا آزاد منشان در آن زمان بیانگر منافع و مدافع طبقه‌ای در حال رشد و بالنده بودند، آزادی از قید و بندهای اقتصادی و اجتماعی دوران فئودالیسم را طلب می‌کردند، می‌خواستند که قدرت مطلقه سلطنت محدود شود، در پارلمان عناصر لیبرال راه یابند و حق رای آزاد و سایر حقوق سیاسی در محدوده خاص آن دوران به مفهوم بورژوازی آن به رسمیت شناخته شود. در مفهوم سیاسی دیگر لیبرالیسم به یک روش لاقیدانه و درویش مسلکانه در داخل حزب طبقه کارگر نسبت به دشمن طبقاتی اطلاق می‌شود. در این مفهوم لیبرالیسم به معنای آشتی طلبی غیر اصولی به ضرر اساس اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم، نرمش بیجا در مقابل خطا و نادیده گرفتن نقض اصول به علل مشخصی بکار می‌رود. لیبرالیسم در این مفهوم از تظاهرات اپورتونیسم و اندیویدوالیسم است. احزاب مارکسیستی با این جریان که مخالف با پیگیری در اجرای خط مشی و مبارزه اصولی و هشیاری انقلابی است مبارزه می‌کنند.